پلیس نما کیست؟ لباس شخصی چیست؟

روزنامه اعتماد نوشت:سال‌های درازی است که کشور با نوعی بی‌نظمی و به هم ریختگی در سطح ماموران انتظامی و افرادی که دارای مسوولیت در حوزه تامین امنیت عمومی هستند، مواجه است. مساله «لباس شخصی»ها و دایره وسیع امکان اقدامات و همین طور مصونیت نانوشته آنها موضوعی است که تاکنون درباره ابعاد سیاسی، حقوقی و اجتماعی آن بحث‌های فراوانی در گرفته اما همچنان اصل مساله به قوت خود باقی است. موضوع دیگر که در هفته‌های اخیر هم به کرات چهره خود را نشان داد رفتارهای فراقانونی یا غیرقانونی برخی ماموران رسمی انتظامی است که با پیگیری متناسب قضایی مواجه نمی‌شوند. حدود سه هفته است که در کشور از پدیده‌ای به نام «پلیس‌نما» توسط مقامات رسمی یاد شده اما به‌رغم همه برخوردهای صورت گرفته در این مدت حتی یک مورد بازداشت و دستگیری افرادی که در لباس پلیس اقدام به رفتارهای غیرقانونی کرده‌اند، گزارش نشده است. آن هم در حالی که فیلم‌ها و تصاویر بسیار زیادی از این نوع رفتارها وجود دارد که اصولا از نظر قانونی باید پیگیری می‌شد.

در هفته‌های اخیر اما واژه دیگری هم وارد ادبیات انتظامی کشور شده و آن «نیروهای حافظ امنیت» است. می‌بینیم که مقامات رسمی زیادی و حتی رسانه‌های متعددی از این ترکیب برای اشاره به افراد کنترل‌کننده اعتراضات و مقابله‌کننده با تجمعات استفاده می‌کنند.اما اینها چه کسانی هستند؟ به کدام ارگان تعلق دارند؟ و وقتی از «نیروهای حافظ امنیت» حرف می‌زنیم دقیقا از کدام دسته ماموران دولتی سخن می‌گوییم؟ طبق قانون نهادهای عمل‌کننده در تجمعات و اعتراضات تعریف مشخصی دارند. نیروی انتظامی، بسیج و سپاه هر کدام طبق شرایطی می‌توانند در این زمینه عمل کنند. عمل آنها هم باید منوط به رعایت چارچوب‌ها و موازین قانونی و مقررات خاص نظامی در این شرایط باشد. به عبارتی آنها که برای مقابله با اعتراضات به خیابان می‌آیند همزمان دارای مسوولیت‌های مشخص قانونی و محدودیت‌های تعیین شده‌ای در رفتار خود با معترضان هستند و در صورت بروز خطا باید مطابق قانون جوابگوی آن باشند. اما توصیف ماموران مقابله‌کننده با اعتراضات با عنوان «نیروهای حافظ امنیت» ابهامی جدی در نسبت این افراد با نهادهای قانونی ایجاد می‌کند. به طور مثال وقتی گفته می‌شود فلان نیروی حافظ امنیت فلان اقدام را انجام داد یا با فلان تهدید توسط معترضان مواجه شد، سئوال این خواهد بود که این نیروی حافظ امنیت کیست؟ پلیس است؟ بسیجی است یا نیروی سپاه؟ به واقع چرا عنوان سازمان متبوع این نیرو اعلام نمی‌شود و چه منعی برای اعلام نام سازمانی که آن مامور وابسته به آن است، وجود دارد؟

در واقع اتفاقی که ذیل انتساب این نام به ماموران انتظامی و امنیتی حاضر در خیابان رخ می‌دهد، یادآور همان موضوع لباس شخصی‌هاست. یعنی ایجاد گروهی که ارتباط سازمانی آن برای شهروندان مشخص و روشن نیست. هیچ دلیلی وجود ندارد که مقامات و مراجع رسمی ماموران حاضر در خیابان را بدون عنوان سازمانی مشخص و قانونی آنها مانند پلیس، بسیج یا سپاه تحت عنوان مبهم و تعریف نشده «نیروهای حافظ امنیت» یاد کنند. همین ابهام است که زمینه برخی از رفتارهای خلاف قانون در جریان برخورد با معترضان را گسترش می‌دهد. نمونه آن اجبار چند بازداشت شده توسط ماموران برای خواندن سرود سلام فرمانده است. این اقدام صراحتا یک کار غیرقانونی است و باید مشخص شود که مرتکبین آن مربوط به کدام مرجع کنترل‌کننده نظم عمومی در جریان اعتراضات هستند. وقتی از این ماموران با عنوان مبهم و خارج از قانون «نیروهای حافظ امنیت» یاد می‌شود در همان گام اول منجر به تعطیلی پیگرد قانونی این دست ماموران خواهد شد.

بنابراین لازم است در شرایطی که درباره رفتارهای ماموران حاضر در خیابان حرف و حدیث‌ها و انتقادات بسیار زیادی مطرح است، ضرورت دارد تا درباره انتساب سازمانی گروه‌های مختلف این ماموران بدون ابهام و طبق همان تعاریف قانونی و سازمان‌هایی که مسوولیت مشخص دارند، سخن گفته شود. چرا که عنوان‌های مبهم و جدید تنها این گمانه را ایجاد می‌کنند که قرار است هویت سازمانی و خطاهای برخی افراد تحت این عناوین به حاشیه برود.

حقایق برای مردم بازگو شود

سیدرضا اکرمی، عضو جامعه روحانیت مبارز طی یادداشتی در **روزنامه آرمان ملی** نوشت: مفهوم جهاد تبیین باید در همه امور کشور وجود داشته باشد و در همه مسائل این مفهوم برای روشنگری جامعه در دستور کار قرار گیرد. باید در خصوص مسائلی که جامعه می‌گذرد و از مشکلات، دستاوردها و برنامه‌های صحیح برای جامعه حرف بزنیم و خوشبختانه مجلس شورای اسلامی داریم که تریبونش باز است و همه مسائل و مصوبات را برای مردم توضیح می‌دهد.

پس اصل مطلب این است که جامعه را آگاهی ببخشیم و به آن‌ها اطلاعات برسانیم و حقایق را برای آن‌ها بازگو کنیم. نکته دیگر اینکه اگر شبهه‌ای ایجاد می‌شود و اشکالاتی وجود دارد که مانع تحقق این ایده‌ها، اندیشه‌ها و تصمیمات است آن‌ها را نیز باز گو کنیم. مثلا در بعد از انقلاب جهاد سازندگی داشتیم که مسئولان امر به نقاط محروم بروند و به شهرها و روستاهای محروم رسیدگی کنند ولی با پیش آمدن جنگ تحمیلی ۸ ساله که هزار میلیارد دلار بر ایران خسارت وارد ساختند نشد که این اتفاق بیفتد.

پس از انقلاب و جنگ نیز تحریم، تهدید، توطئه‌ها و امثالهم نگذاشتند که مسائل مهم و زیربنایی در کشور صورت بگیرد. این‌ها نیز باید برای مردم بازگو شود؛ لذا باید به طور کلی بدانیم که ما در اسلام و انقلاب اسلامی بن‌بست نداریم، اما به این شرط که خودمان همت کنیم، گام برداریم و جهادی عمل کنیم که یا مشکلات برطرف شود یا کاهش پیدا کند. اگر نگاهی به دوران کرونای دو ساله داشته باشیم خواهیم دید که ۱۳۰ هزار قربانی دادیم، اما در همان زمان چقدر مقامات تلاش می‌کردند که دارو تهیه کنند، اما اروپا و آمریکا به ایران واکسن ندادند. باید این را هم برای مردم بازگو کنیم که متوجه باشند و نگویند که وعده‌ها داده شد، اما عملی صورت نگرفت.

با همه مشکلاتی که داریم و همه اشکالات و ندانم‌کاری‌هایی که در گوشه و کنار وجود دارد ولی در این کشور هر هفته یک دستاوردی برای انقلاب داریم. چندی پیش نیز مقام معظم رهبری چند مورد آن را در مورد ماهواره و ژن درمانی و... بیان کردند. این مطالب باید گفته شود که جامعه خیال نکند کشور راکد است و همه چیز در رکود به سر می‌برد. بله امروز با گرانی هم مواجه هستیم و رهبری نیز گفتند که ده سال راجع به تولید صحبت کردیم، اما آنطور که باید و شاید به وظیفه عمل نکردند. یعنی اکنون هر فرماندار، استاندار و وزیری مساله تولید را در دستور کار داشته باشد و به همه کارخانه‌ها و کارگاه‌ها سرکشی کند و این تولید در همه جا انجام شود تا هم مساله اشتغال حل شود و هم نیازمندی‌های جامعه و کشور تأمین شود.

به رفتار لباس‌شخصی‌ها پاسخ دهید

روزنامه جمهوری اسلامی در ستون (جهت اطلاع) خود نوشت: یک نماینده مجلس گفته: وزیر کشور و فرماندهی انتظامی باید پاسخگوی رفتار لباس‌شخصی‌ها باشند. رحیمی جهان آبادی با تاکید بر اینکه خشونت، زمینه اعتراض بیشتر را فراهم می‌کند، افزوده: کشور در شرایط خاص و حساسی قرار دارد، به نظر من در این شرایط نیاز داریم که هم از سوی حاکمیت هم از سوی مردمی که معترض هستند و هم مردمی که حامی نظام هستند؛ بیان، کردار و رفتارهای خودمان را یک مقدار با عقلانیت بیشتری با نگاه به منافع و امنیت کشور انتخاب کنیم. نماینده تربت جام اضافه کرده: اگر حکومت هم در مقابل هر اعتراض و خواسته‌ای خشونت به خرج دهد نه تنها فضا را آرام نخواهد کرد، بلکه زمینه اعتراض بیشتر را فراهم می‌کند.

موضع گیری کیهان در برابر بیانیه اخیر خانه سینما

روزنامه کیهان نوشت:خانه سینما در بیانیه‌ای تهدید کرد که «اگر سینماگران بازداشتی فورا آزاد نشوند دست به اعتصاب می‌زنیم» که این یک فرصت مغتنم برای سینمای ایران است! خانه سینما که طی این مدت در مقابل شهادت ده‌ها نفر از مردم و نیروهای مدافع وطن توسط تروریست‌ها و اراذل اجاره ای، تلاش در جهت تجزیه کشور و پمپاژ گسترده و بی‌سابقه دروغ توسط رسانه‌های بیگانه با هدف ایجاد ناآرامی سکوت کرده بود، در واکنش به بازداشت برخی سینماگران به اتهاماتی چون نشر اکاذیب و همراهی با رسانه‌های بیگانه عصر روز دوشنبه ۳۰ آبان بیانیه‌ای را صادر کرد.

در بخشی از این بیانیه که محتوای آن شباهت زیادی به محتوای رسانه‌های ایران‌ستیز دارد آمده است: «در صورتی که تهدیدها و بازداشت‌ها پایان نیافته و سینماگران بازداشت شده آزاد نشوند، از اعضای خود خواهد خواست دست به اعتصاب زده، از همکاری با پروژه‌های سینمایی و تلویزیونی خودداری کرده و در برابر سازمان سینمایی تحصن کنند.» تهدید خانه سینما در این بخش از بیانیه مذکور، در صورت عملی شدن یک فرصت برای سینمای ایران خواهد بود تا برخی عناصر نفوذی که مشغول ارتزاق از بیت‌المال هستند و به ناحق در پروژه‌های سینمایی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، به این طریق از عرصه سینما محو شوند.

انتقاد تند روزنامه جمهوری اسلامی از بدزبانی بعضی ائمه جمعه

روزنامه جمهوری اسلامی نوشت:متأسفانه با پیدایش جنگ قدرت میان جناح‌های سیاسی کشور، عده‌ای از ائمه جمعه به جای آنکه وظیفه خاموش ساختن شیپور این جنگ را در دستور کار خود قرار دهند، خود نیز به آنها پیوستند و نقش شیپورچی را بر عهده گرفتند.

در سال‌های اخیر بعضی از این حضرات با بدزبانی‌هایشان، مرزهای اخلاقی را نیز پشت سر گذاشته و به جای تقوای الهی، درس عبور از خط قرمزهای حرمت انسان در خطبه‌های جمعه می‌دهند! چنین بدزبانی‌هائی همیشه خطرناک است و در شرایط کنونی کشور که مردم به دلجوئی نیاز دارند و جامعه نیازمند وحدت و همدلی است خطرناک‌تر و به نفع دشمن است. این بدزبانی با تعالیم اسلام سازگاری ندارد، نماز را هم باطل می‌کند و همچون حرقه‌ایست که می‌تواند انبار باروت را شعله‌ور سازد. آیا وقت آن نرسیده است که برای تجدید حیات نماز جمعه در مورد این دسته از ائمه جمعه تجدید نظر شود؟!

سئوال عباس عبدی از مسئولان:

چه اتفاقی باید بیفتد که روش حکمرانی را تغییر دهید؟

عباس عبدی در **روزنامه اعتماد** نوشت:یک نظام کارآمد، قابلیت انعطاف دارد. این را نباید به عقب‌نشینی تعبیر کرد. ما که در هوای ۱۰- گرم‌ترین لباس را می‌پوشیم، آیا هنگامی که وارد هوای گرم ۴۰ درجه می‌شویم و لباس‌های خود را به حداقل می‌رسانیم عقب‌نشینی کرده‌ایم؟ ما به همان علتی که در هوای ۱۰- لباس بسیار گرم می‌پوشیم، در هوای گرم نیز باید لباس خنک بپوشیم. در ظاهر دو نوع لباس متفاوت داریم، ولی درواقع هر دو از یک منطق مشترک تبعیت می‌کنند. آنچه که امروز جامعه ایران با آن مواجه است، تبعیت از چنین منطق ساده‌انگارانه‌ای است که گویی مرغ سیاست آنان یک پا دارد و به هیچ تغییراتی پاسخ نمی‌دهد.

امروز در وضعیتی زندگی می‌کنیم که نه روابط بین‌الملل، نه نظام رسانه‌ای نه ساختار اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و نه حتی و مهم‌تر از همه نه ویژگی‌های شخصیتی فردی در ایران مطلقا مشابه گذشته نیست و همه اینها نیاز به تغییر و تحول را در سیاست و حکمرانی ضروری کرده است، ولی دریغ از اینکه همه چیز تغییر کرده جز سیاست که اگر هم تغییری داشته در جهت خلاف مسیر انطباق یافتن با این تحولات بوده و تغییرات آن همسو با تغییرات مذکور نبوده است. این ناهمخوانی است که موجب می‌شود جامعه دچار عدم تعادل شود و ثبات آن در خطر قرار گیرد که گرفته است.

اکنون و براساس این قاعده از دست‌اندرکاران حکمرانی در ایران باید پرسید که چه اتفاقی رخ دهد یا چه شرایطی حادث شود که سمت و سوی نحوه حکمرانی را تغییر خواهید داد؟ آیا همین شیوه ادامه دارد، ولو بلغ ما بلغ؟ اگر بلی، اینکه شیوه حکمرانی نیست. حکمرانی و سیاست، پاسخ مناسب به اتفاقات در شرایط خاص آنهاست و باید معطوف به نتیجه باشد. این با بی‌اصولی و تذبذب فرق می‌کند. هر قدر تذبذب بد است، یکدندگی بدتر است. باید از متولیان امر، این سئوال را پرسید که در چه زمانی و تحت چه شرایطی فرمان حکمرانی تغییر خواهد کرد؟ چه وضعی باید پیش آید تا به ضرورت این تغییر پی ببرید؟ تیم‌های فوتبال هم براساس ترکیب طرف مقابل، تاکتیک یا افراد تیم را تغییر می‌دهند، چگونه شما عکس این عمل می‌کنید؟ امیدواریم، حداقل این یک پرسش را بی‌پاسخ نگذارید.

به یاد غلامحسین ساعدی نویسنده‌ای که در غربت آب شد

همه جا تعطیل است!

فریبا خانی در **روزنامه آرمان ملی** نوشت: «صحبت که تمام شد، همه ساکت و منتظر ماندند. ننه خانوم جلوتر رفت و گفت: «کار درست شد. سه تا جوان میرن که سیب‌زمینی و آذوقه‌گیر بیارن. بقیه چه کار میکنن؟ بازم میرین گدایی؟» مشدی بابا گفت: «چاره چیه ننه خانوم؟ هر طوری شده باید شکم بر و بچه‌ها رو سیر بکنیم...». این بخشی از کتاب «عزاداران بیل» نوشته غلامحسین ساعدی است که دوم آذر روز وداع او با این جهان است. این روزها زیاد به او فکر می‌کنم به غلامحسین ساعدی. او در ۴۹ سالگی در غربت و تنهایی جان سپرد. نام مستعار او «گوهر مراد» بود. پسری نوجوان را به یاد می‌آورم که در گورستانی قدیمی می‌چرخید در بین سنگ قبرها نام گوهر مراد نظرش را جلب می‌کند. دختر جوانی که ناکام مُرده بود. او می‌گوید من این اسم مستعار را از آن سنگ‌قبر برداشته‌ام و سال‌ها با این نام داستان نوشت. می‌گویند ساعدی در داستان نویسی پیرو ادگار آلن‌پو است. رمز آلودگی تخیل و استفاده از فضاهای فانتزی. ... کوه غم به دلم می‌نشیند نویسنده‌ای با قدرت ساعدی چگونه در خودش می‌تپد و در قبرستان پرلاشز مسکن می‌گزیند؟ غلامحسین ساعدی نمایشنامه‌نویس و داستان‌نویس بزرگی است. داستان‌هایش بوم‌گراست. او از مسخ شدن آدم ها، بدبختی‌هایی که به سرشان هوار می‌شود رنج می‌کشد. ساعدی پزشک بود و تخصصش در حوزه روانپزشکی بود و مدتی در بیمارستان «روزبه» کار کرد. بنابراین با رنج آدم‌ها آشنا بود. مطبی داشت در خیابان دلگشا که می‌گویند پاتوق نویسندگان و شاعران بود. زندگی او کمی شبیه «گیمارس روسا ژوانو» داستان‌نویس برزیلی است او هم طبیب بود. به بیماران کم درآمد می‌گفت به جای حق ویزیت، داستان یا افسانه‌ای برایم تعریف کنید.غلامحسین ساعدی آدم سیاسی است در آن زمان کمتر روشنفکری سیاسی نبوده است به خاطر همین به زندان ساواک می‌افتد و شکنجه می‌شود رنج می‌کشد و دیگر مثل قبل از زندانی شدنش نمی‌شود. احمد شاملو درباره‌اش گفته بود:«آنچه از او زندان شاه را ترک گفت، جنازه نیم‌جانی بیش نبود. آن مرد، با آن خلاقیت جوشانش، پس از شکنجه‌های جسمی و بیشتر روحی زندان، دیگر مطلقاً زندگی نکرد. آهسته‌آهسته در خود تپید و تپید تا مُرد. وقتی درختی را در حال بالندگی اره می‌کنید، با این کار در نیروی بالندگی او دست نبرده‌اید، بلکه خیلی ساده او را کشته‌اید. ساعدی مسائل را درک می‌کرد و می‌کوشید عکس‌العمل نشان بدهد. اما دیگر نمی‌توانست. او را اره کرده بودند».

از دل داستان‌هایش فیلم‌های موفقی چون «گاو» به کارگردانی مهرجویی را می‌بینیم. فیلمی تکان دهنده، مش حسنی که عاشق گاوش است و بعد از مرگ او خودش گاو می‌شود... شاید پزشکی و روانپزشکی به او کمک کرد تا لایه‌های روانی آدم‌ها را بجورد و از دل آن‌ها داستان‌هایی به درآید بی‌نظیر. اما غلامحسین ساعدی شخصیت رمانتیکی هم داشت شاید نامه‌های او را به طاهره را خوانده باشید. دختری که سال‌های سال غلامحسین ساعدی برایش نامه نوشت. در یکی از نامه‌ها سیصد بار نام طاهره را تکرار کرده بود. اما طاهره هرگز حرفی نزده و بعد از مرگ او این نامه‌ها با عنوان نامه‌های غلامحسین ساعدی به طاهره کوزه‌گرانی منتشر شد. غلامحسین ساعدی و طاهره کوزه‌گرانی هرگز به هم نرسیدند. اگر به قبرستان وارلان تبریز بروید سنگ قبری را خواهی دید که رویش نوشته شده: «آرام‌جای کسی که میان استخوان‌های گوهرمراد آواز می‌خواند». این نامه‌های پرشور عاشقانه خواندنش بی‌لطف نیست. اما مسأله این است سال‌ها بعد از غربت غلامحسین ساعدی برای همسرش «بدری لنکرانی» هم نامه‌هایی می‌نویسد که خواننده متاسف می‌شود.که چنین پزشک و نویسنده پر شور و خلاق و قدرتمندی چگونه در غربت چون شمعی آب شد و از بین رفت.در بخشی از نامه به همسرش می‌خوانیم:

«همیشه در این فکر هستم که چقدر خریت کردم که برای پزشکی آمدم، من برای بنائی، عملگی، غصه‌خوردن ساخته شده بودم.هزاران هزار انبان پر از درد و غم دارم. پای هر دیواری هم که نمی‌شود گریه کرد. در اینجا مدام به آدم توهین می‌شود. هیچ‌کسی را نمی‌بینم، از بس قرص اعصاب خورده‌ام... بدری‌جانم اگر روزگار این‌چنین پیش برود، آهی از من در بساط تو خواهد ماند. سعی می‌کنم که روی پای خود بایستم ولی تلاشی بی‌فایده است، پاهایم را پیدا نمی‌کنم. بدبختی من، دوری از تو و دوری از وطن است».

جدول شماره: ۱۰۵۰۶

جدول روزنامه «خبر جنوب» دارای دو شرح عادی و ویژه می باشد. چنانچه مایل به حل هر دو شرح می باشید پس از حل یکی از شرح ها، آن را پاک کرده و سپس به حل جدول دیگر بپردازید.

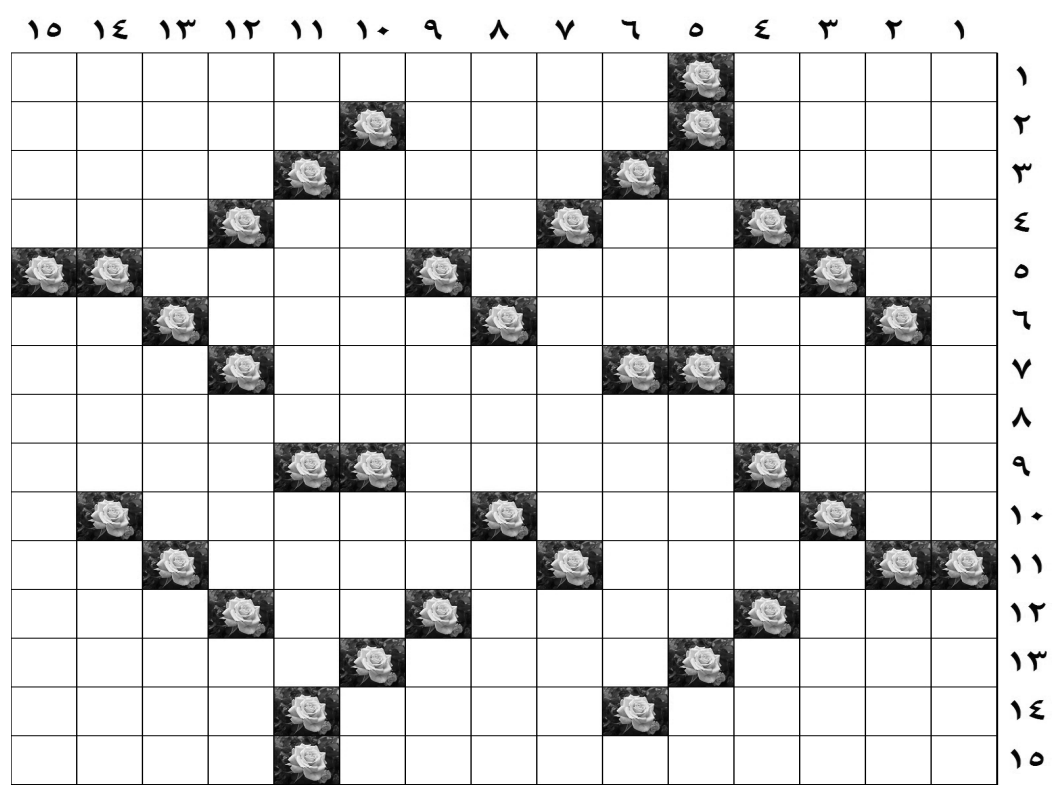

شرح عادی

افقی:
۱ - لگد حیوانات - لقب غلامرضا تختی
۲ - توان - روزی رسان - جمع جُرم
۳ - پارچه سبک نخی دارای گل‌های برجسته - معادل ۳۶ اینچ - حنا
۴ - ذره باردار - صوت دهن کجی - کلانشهر هند - از اعداد ترتیبی
۵ - بردگی - جرثومه - معادل ۲۸ گرم
۶ - در سال ۱۹۸۰ این کشور تنها کشور جهان بود که تلفن نداشت - فیلمی از اکبر صادقی - تنها
۷ - موسیقی هرمزگان - سامانه اتوبوس تندرو - حاصل ذوق و هنر
۸ - دوست بی ریا - نیش سرما - یار لورل
۹ - نوعی بازی شبیه شترنج - ساخت و پاخت - یکی از ابزارهای رایانه‌ای
۱۰ - پهلوان - کشور آفریقایی - کدخدا
۱۱ - تنه درخت - کدخدا - کتف
۱۲ - تزویر - بخاری برقی - عدد رمز - پیر
۱۳ - قلعه - بی آن فطیر است - شریک، همدست
۱۴ - لوح - آزردگی، ناراحتی - جدید
۱۵ - زندان موقت - الکترود متصل به قطب منفی

عمودی:
۱ - نویسنده کتاب های هری پاتر و نخستین زن رمان نویس میلیاردر جهان - سوار
۲ - جداکنندهٔ حق و باطل - صادق - ایالت آمریکا
۳ - نشان صفت عالی - هیئت مدیره - راهی که در زیر زمین کنده شود تا آب از آن جریان یابد
۴ - کلمه آرزو - مجلس قانون گذاری تایوان - همسر مرد - دایم
۵ - شکل و پیکر - منتخب - تصدیق عامی
۶ - طفره - آبیاری زمستانی - افسر
۷ - با هوی آید - ورزشکار راکت به دست - نوعی شیرینی
۸ - دارای رفتار بزرگوارانه - رود روسی - صدای برخورد ناخن با ساز
۹ - سیم - دارای اعتبار - هجو کردن
۱۰ - راهنمایی کردن - یک جزو از ده جزو چیزی - پادشاه
۱۱ - راست و افروخته - روزانه - خدمتکار پیر
۱۲ - زبان و گویشی در کشورمان - بی‌رمق ندارد! - علم سرشماری - چاشنی شور
۱۳ - بیماری که در اثر تورم رگها بوجود می آید - بد جنس - اصل و آغاز ۱۴ - اکنون - کثرت، وفور - ضرر
۱۵ - سخن چین - بنیان‌گذار دودمان زندیه

شرح ویژه

افقی:
۱ - کامل و تمام - اثر هوارد فاست
۲ - نسیم شب - جنبش - مرکز کشور مالت
۳ - فحش - پا برجا - نوعی میکروسکوپ
۴ - سلام عامیانه - به تعبیری شکم! - فلسفه - مردمان هم دوره
۵ - اشاره بعید - اثر باستانی کرمان - مداد نوکی
۶ - رادار زیردریایی - نام پسرانه - رود شولوخف
۷ - قیصر - دریاچه ای در سروستان - مزه بی طرفدار!
۸ - خرخر - ضمیر مفعولی - صفت دوست بد
۹ - خو گرفتن - برس سنتی ژاپنی - مرکز مالدیو
۱۰ - جوی خون - مهر و نگین - نام کمال ادیب ترکیه‌ای
۱۱ - معشوقه لوئی ۱۵ - چاره ای برای حل مسئله - اثر سیده زهرا حسینی
۱۲ - حدیث نبوی - شب اول دی - ناخن چهارپا - روستای قره داشلی
۱۳ - فیلم سینمایی اسدالله نیک‌نژاد - نوعی ظرف مخروطی‌شکل - از حواریون ۱۴ - فواره - فیلتر - زینت
۱۵ - فیلمی به نویسندگی و کارگردانی صفی یزدانیان - کنایه از سخت و سمج

عمودی:
۱ - یک فیلم درام ورزشی محصول سال ۲۰۰۶ به کارگردانی جیمز گارتنر - بزرگ ۲ - ضمیر جمع - زیرک و باهوش - نشانه اختصاری سازمان بهره‌وری انرژی ایران
۳ - نقاشی که خود را پیامبر معرفی کرد - نوبت نمایش فیلم - از مرکبات ۴ - ماتم - قلعه - ۲۲مین حرف روسی - کل
۵ - تازه - بزرگراهی در پایتخت - دو یار هم قد!
۶ - بدون نیروی کافی - دهنه - پادشاه خونخوار هون
۷ - میراث - ماده‌ای شبیه موم - یک صدم چیزی
۸ - سربار - نظرات - سالن
۹ - سوراخ سوراخ - بادام زمینی - آماس شکم
۱۰ - رغبت - سفت و سخت - هنوز انگلیسی
۱۱ - نویسنده ایتالیایی - پارچه‌ای نخی - علم بررسی کننده خواص شیمیایی
۱۲ - سخنان فرد تب دار - سوسن کبود - مجموعه داده‌های عددی - حرکت باد
۱۳ - رشته کوهی در غرب کشور - دودمان - درود
۱۴ - بی باک - واسطه معامله - شهر کرمانشاه
۱۵ - ترسناک - آریستوکراسی

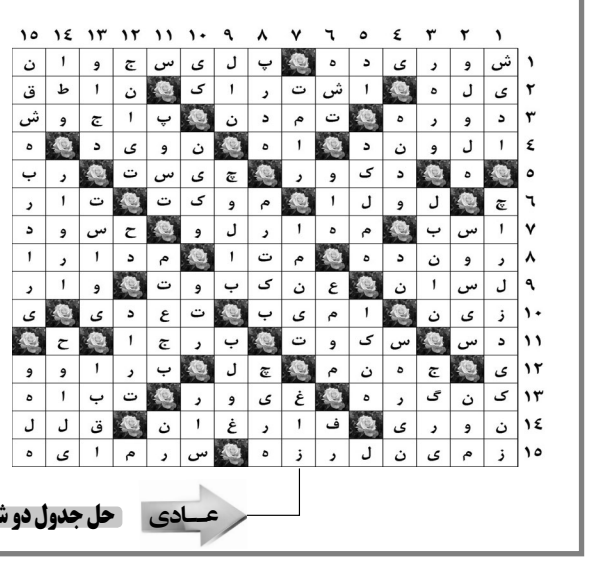

حل جدول دو شرحی شماره ۱۰۵۰۵ — عادی — ویژه

جدول سودوکو

جدول سودوکو همواره در تمام دنیا، طرفداران خاص خود را داشته است.
۴۰۱ در اینجا برایتان ۳ جدول سودوکو در ۳ سطح ساده، متوسط و سخت در نظر گرفته شده است.

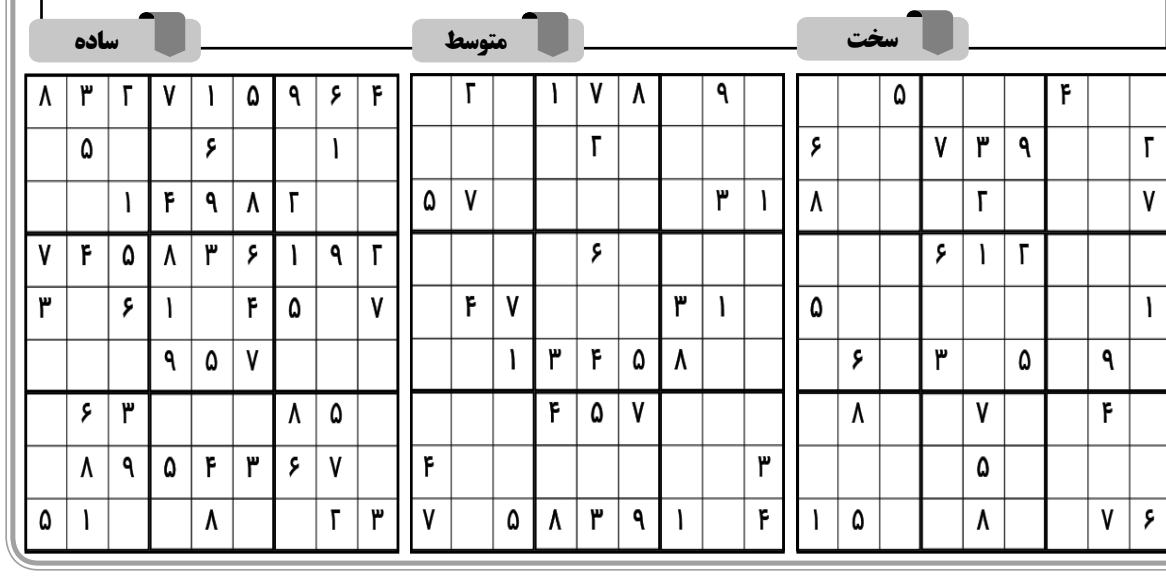

سخت

		۵				۴		
۶			۷	۳	۹			۲
۸				۲				۷
			۶	۱	۲			
								۱
۵						۳	۱	
	۶		۳		۵		۹	
	۸			۷			۴	
		۳						۶
۱	۵		۸	۳	۹			۴

متوسط

	۲		۱	۷	۸		۹	
				۲				
۵	۷					۳	۱	
				۶				
	۴	۷				۳	۱	
		۱	۳	۴	۵	۸		
			۴	۵	۷			
								۳
۴								
۷		۵	۸	۳	۹	۱		۴

ساده

۸	۳	۲	۷	۱	۵	۹	۶	۴
	۵			۶			۱	
		۱	۴	۹	۸	۲		
۷	۴	۵	۸	۳	۶	۱	۹	۲
۳		۶	۱		۴	۵		۷
			۹	۵	۷			
	۶	۳				۸	۵	
	۸	۹	۵	۴	۳	۶	۷	
۵	۱			۸			۲	۳